سالنامه دارالفنون

تهران ـ فروردین ماه ۱۳۳۷

اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه محبوب ایران

اسکن شد

سالنامهٔ دارالفنون

هدیه نوروز

تهران - فروردین ۱۳۲۷

چاپخانه خواندنیها

شعر از آقای حسین سرور «هنرمند»

بند اول

ای کاخ دارالفنون بوستان ما — برفروز از دانش مجسم جان ما

ما را از دل و از جان — صاحب ایمان فخر ایران کن

ما را با دل روشن — خادم میهن نسل جوان کن

زنده باد و جاودان داستان ما — داستان شوق و شور باستان ما

چون فروغ مهر ما در آسمان ما — تا ابد بسینه جهان نشان ما

بند دوم

ای روشن از نور تو آشیان ما — مشعل تابان کاروان ما

از تو فکر توانا رهبری ما — در زندگانی

از ما همت و کوشش دیده بینش فرجوانی

زنده باد و جاودان داستان ما — داستان شوق و شور باستان ما

چون فروغ مهر ما در آسمان ما — تا ابد بسینه جهان نشان ما

آهنگ از منوچهر بودری

سرود دارالفنون - آهنگ از آقای مهدی خالدی

جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی

وزیر دانشمند و محبوب فرهنگ

داریوش فروهر

امیر کبیر

سحرگاه یک شب مهتابی که ستارگان بیفروغ در آغوش سپیده دم نابود میشدند، دهکده **هزاوه** در گوشه جلگه خرم **فراهان** در تاریکی موحشی آرمیده بود. تنها روشنائی مختصری از دریچه کلبه ای بیرون میتافت و در دریای ظلمت و تاریکی محو و نابود میگردید. در این سحر دلکش و سپیده دم دلنواز این کاشانه روستائی نور و سروری داشت کودکی پا بعالم وجود نهاده، پدر و مادر خود را شادمان و خرسند ساخته بود. ناگاه زنی نیکو اقدام از کلبه پای بیرون نهاده و بیکی از روستائیان چنین گفت :

خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود

ـ کربلائی قربان، بتو تهنیت میگویم، خدا بت پسری عنایت کرد

گربلائی آنروز از خوشحالی در پوست نمی گنجید ، یزدان را میستود واز چنین موهبتی پای کوبی می کرد ، او کجامیدانست که نوزاد او سپهر ایران را درخشنده ماهی خواهد گردید ؟ مولود جدید را **محمد تقی** نامیدند . خردسال چون کودکان دیگر در آغوش جلگه فرح انگیز وروان بخش فراهان دوران خردسالی را میپیمود . . .

دهکده هزاده بهار هادید و درحزانها آرمید ، سالها بگذشت تاعاقبت دست توانای تقدیر آن پدر روستائی را بطباخی یکی از مردان بنام آن دوران موسوم به میرزا عیسی «قائم مقام» برسانید .

دیری نپائید که کیاست ودرایت این خردسال بیزهوش خاندان قائم مقام رامسحور ساخت و قائم مقام خود به تربیت وی میان بربست ، استعداد حیرت انگیز محمد تقی خان او را بدبیری مخصوص قائم مقام برسانید و همه روزه پایگاه وی برتر و والاتر میگردید و آوازه تندذهنی و فراست او برسر زبانها می افتاد .

هنوز میرزا تقی خان آغاز جوانی را میپیمود که مربی دلسوز خود را از دست بداد ولی میرزا ابوالقاسم قائم مقام دوم فرزند میرزا عیسی او را بادست عطوفتش بنواخت و میرزا تقی خان در زیر حمایت او مراحل ترقی و تکامل را دنبال کرد .

عطوفت این پدر و پسر که از دانشمندان بیمانند بودند تقی خان را مردی دلیر و جسور بار آورد .

هنگامی که بهمراهی هیئتی بمناسبت قتل گری بایدوف Gribaiedev به پطرزبورك رهسپار گشت ، مطالعاتی عمیق و دقیق نموده و با مشاهده سازمانهای فرهنگی روسیه و آشنائی با فکار رجال آن سامان تحولاتی در روح حساسش پدید آمد و با گرانبهاترین ارمغانهای معنوی بکشور خود باز گشت و همین تجربیات و مطالعات بود که اورا بمبارزه با فساد و پریشانی و پیروی از مدنیت غربی ترغیب نمود .

پس از بازگشت از روسیه میرزا تقی خان خدمت قائم مقام را ترك گفت و بنزد محمد خان زنگنه «امیر نظام» شتافت

لیاقت و کاردانی وی موجب گردید که در سال ۱۲۵۰ بوزارت نظام آذربایجان منصوب شود و باین منصب در التزام رکاب ناصرالدین میرزا ولیعهد نوردسال ایران مامور ملاقات نیکلای اول تزار روسیه گردید . در رجب ۱۲۵۳ برای باردوم تزار را در ایروان ملاقات کرد . معروف است تزار از دیدار او خوشحالی نموده و انقیه دانی مرصع بدو بخشید ، این عمل خود جلوهٔ از شخصیت بی نظیر میرزا تقی خان است در بازگشت از این سفر میرزا تقی خان بدرجه سرتیپی نائل گردید تا اینکه روابط

ایران و عثمانی موجب تشکیل انجمنی از نمایندگان ایران و روسیه و عثمانی و انگلیس گشت

این انجمن که منظور نهائی آن حل اختلافات دولتین ایران و عثمانی بود در شهر ارزنة الروم تشکیل گردید. مردانی چند نامزد نمایندگی ایران در این انجمن بودند سرانجام حاجی میرزا آقاسی برخلاف میل باطنی خویش دست بدامان میرزا تقی خان زد و اورا بنمایندگی ایران در این انجمن برگزید. وزیر نظام که دلسوخته خدمتگزاری بود باشوقی بی پایان عازم آن سامان گشت و دیگر بار فراست و کاردانی خود را اثبات کرد.

روبرت کرزن «Robert Curzon» انگلیسی در باره او چنین گفته بود: « وزیر نظام از نمایندگان انگلیسی و عثمانی و روسی که در ارزنة الروم جمع شده بودند توانا تر است »

وزیر نظام مردانه از حقوق ایران دفاع کرد و شخصیت ممتاز خود را آشکار او عیان ساخت . پیشنهادات زیان بخش بیگانگان را نپذیرفت، آنان نیز در اندیشه مرگ و تباهی او افتادند ولی نقشه شیطانیشان اثری نکرد و خیمه شب بازی دشمنان وزیر نظام بجائی نرسید. بالاخره پیمان ارزنة الروم پس از پنجسال گفتگو و مشاجره با نیکوترین وجهی در جمادی الثانی ۱۲۶۳ بتهران فرستاده شد و امیر خود بآذربایجان شتافت .

محمد شاه در ششم شوال ۱۲٦٤ پس از بیماری کوتاهی درشمیران زندگی را بدرود گفت و ناصرالدین میرزا ولیعهد ۱٦ ساله ایران که در آن روزگار مقیم تبریز بود میرزا تقی خان را که مورد علاقه و اعتمادش بود مامور تهیه وسایل حرکت بتهران کرد.

ناصرالدین میرزا در یکشنبه هیجدهم شوال در شهرستان تبریز دیهیم شهریاری برسر گذاشت و فردای آن روز بهمراهی میرزا تقی خان بتهران شتافت و بدون سانحه و حادثه ای در شب بیست و دوم ذیقعده ۱۲٦٤ بتهران وارد شد و رسما جلوس کرد . میرزا تقی خان بالقب اتابک اعظم بصدارت منصوب گردید و کشور درهم گسسته ایران بدو سپرده شد . در آغاز جلوس شاه شعله های فتنه و آشوب در زوایای کشور بالا گرفت و فتنه جویان میدانی یافتند و به ترک تازی پرداختند .

امیر کبیر که خود از توده رنجدیده برخاسته بود و بسیه روزیهای ستمدیدگان کشور نیکو آشنا بود و مطامع بیگانگان را میدانست واز بیداد فرمانداران ستمگر قصه ها بیادداشت بر آن گردید که سستی روا ندارد و بی درنگ با اهریمن تباهی و فساد بیکار کند و ریشه های فسادرا ازبن بر کند و بسیادت و آقائی مفتخوارانی چند که زالووار مالیه کشور را می‌مکیدند پایان بخشد . امیر مستمری‌ها را قطع کرد ودستهای آلوده را از کارهای حساس کوتاه نمود. اقدامات سریع اورنجش درباریان را فراهم ساخت. مهدعلیا مادرجاه طلب شاه ومیرزا آقاخان نوری که از دیرگاه بر آستان بیگانگان سربندگی فرودآورده بود بدشمنی او قیام کردند، اینان بغمازی پرداختند ولی فتنه جوئی آنان در شاه اثری نبخشود. ناصرالدین‌شاه خواهر تنی خودشاهزاده خانم عزت‌الدوله را بزوجیت صدراعظم محبوب خود درآورد. چندی بعد سربسازان آذربایجانی بتحریک دشمنان امیر عصیان کردند و برکناری اورا خواستارشدند ولی‌شاه بنغمه های مرگبار آنان گوش نداد وامیر نیز با کوششی افزونتر اندیشه های اصلاح‌طلبانه خودرا دنبال کرد . امنیت را استوار ساخت ، امور مالی را نظم و ترتیبی داد ، دستگاه قضائی را بکار انداخت ، کارخانه اسلحه سازی را بنیان نهاد، چاپارخانه ها راتاسیس کرد **و کاخ زیبای دارالفنون را که هستهٔ فرهنگ نوین است بپا کرد** و درمدت چهارسال زمامداری خود ملت عقب مانده ایران را بکاروان مدنیت رسانید ونام بلند خویش‌را درتاریخ بامجد وعظمت کشور رقم زد .

ولی دریغا دریغ که این دوران باشکوه نپائید . بیگانه پرستان خیانت پیشه باشارت دیگران این گلبن زیبا را ریشه کن ساختند وچراغ وجود اورا به تندباد مرگ سپردند.

اصلاحات امیر خفاشان شوم‌را آزرده ساخت. آشوب وهیجانی که درجبین سیه کاران پدید آمده بود موجب گردید که همه هم‌آهنگی کنند و با نیروی اهریمنی خویش این نهال برومندرا ازبن برکنند . سعایت آغاز کردند ویاوه سرائیها نمودند ولی این نغمه های شیطانی موثر نیفتاد، شاه برتجلیل امیر بیافزود وویرا گرامی‌تر داشت ولی‌سیاستهای بیگانه، که باهر نغمه اصلاحی مخالفت میکرد وحیات امیر را بزیان خود میدید برای آنکه چنین‌خاری را ازطریق مقصود خود بردارد بکارشکنی‌ها پرداخت وبتهیدهای بیابی گرائید. بدگوئی درباریان ازیک‌سو ، بازیگریهای بیگانگان ازسوی دیگر خاطر شاه جوان را آزرده ساخت ، محبوبیت امیر نیز رنجش شاهانه‌را افزونترساخت ودرسفری که شاه دررجب ۱۲۶۷ باصفهان میرفت ازمشاهده قدرت بی‌پایان امیرهراسان گردید و درمراجعت ازاین سفر درشهرستان قم دستور انتصاب برادر خردسال خود

شاه‌زاده عباس‌میرزای ملك‌آرا را بحکومت‌قم‌داد ولی‌امیر بااین‌نظرموافقت نکرد . درباریان این فرصت‌را غنیمت‌شمردند و سعایتهای کشنده‌خویش‌راتجدید کردند. شاهنشاه پس‌از رسیدن بتهران درمحرم۱۲۶۸ فرمان عزل‌امیراصادر کرد و تنها منصب امیرنظامی‌را برای او باقی‌گذاشت امیر بکار سپاهیگری گرائید. میرزا آقاخان نوری به‌پشیبانی سیاست خارجی بصدارت منصوب شد، آرام ننشست و بکارشکنی پرداخت، سرانجام پیروزشد ودربیست و پنجم محرم امیر ازفرماندهی سپاه نیز برکنار گردید.

امیر کبیر درگوشه عزلت بنشست ، وساعات زندگی‌را بخواندن کتاب های دینی میگذرانید. بیگانگان بدلجوئی او پرداختند ودست گرم ! خود را بسوی او گشودند ولی او که دلی‌لبریزاز مهرایران داشت بخنده‌های‌مزورانه آنان پاسخی نگفت وبخاطر سیادت چندروزه بندگی دیگران را برنگزید پرنس‌دال‌گوروکی «Dabgorouki» سفیردولت‌روسیه سپاهیانی چند برای نگهبانی اوبپرامون خانه‌اش روانه کرد. امیر ازاین‌عمل برآشفت ونکوهشها کرد وسپاهیان خارجی‌را بازگردانید، خشم شاه افزون‌گشت وبکاشانش‌تبعید کرد. همه وهمه اورا از یاد بردند تنها عزت‌الدوله خواهر ناصرالدین شاه دراین دقایق زهرآگین دلسوزش‌بود و پروانه‌آسا پیرامون شمع وجود این مرد بزرك طواف میکرد.

امیر بافرزندان‌خویش بامرپادشاه بکاشان شتافت،ودربیستم رجب۱۲۶۸ بباغ تاریخی‌وفین پای نهادواقامت گزید ولی دشمنانش بازهم آرام‌ننشسته درنابودی‌او کوشیدند وسرانجام باتهیه مقدماتی چند شاه را بدان واداشتند که بقتل امیر فرمان دهد و با چنین عمل شومی نام خویش را لکه دار و ننگین سازد .

حاجی علی خان‌مراغه‌ای‌ملقب بحاجب الدوله که از زیر دستان‌امیربود مامور قتل وی‌گردید این فرومایه دون همت که بی شك ازسیه کارترین دژخیمان دربار استبدادی‌قاجار بود بیدرنك بکاشان حرکت کرد وامیررابس از چهل وپنج روز سکونت در باغ فین بحمام میرفت تنها یافت ومامور یت ننگین وزشت خودرا باوابلاغ کردامیرباگشاده روئی مرك‌رااستقبال‌نمود و بدنبال سرگذشت شوم‌خودشد .

او دیدگان‌پرفروغ‌خویش‌رانگران‌ایران عزیز ساخته بود و کاخ نوبنیاد اصلاحاتش راباشك‌وحسرت نظاره‌میکرد دراین‌گاه دورنمای‌وحشت‌زای گذشته وپیکاره هاومبارزهائی که برعلیه‌جنایتکاران کرده بوداز نظرش میگذشت ومتاثر بودازاینکه بامرك‌او آن‌رشته دامنه‌دار اصلاحی‌ازهم گسسته‌خواهدشدو تبهکاران نقشه های اصلاح طلبانه اورا در هم میپیچند وسیر تکاملی اصلاحات را متوقف

می‌سازند. سرشکی چند از دیده بیفشاندو با آهنگ غم افزائی دلاک را گفت « رکهارا بزن و از قید زندگانی آزادم ساز »، حاجب الدوله آن خیانت کار و بی عاطفه که از دست پروردگان امیر بود آن منظره را مینگریست و لب خند پیروزی بر لبهایش پدید آمده بود امیر در سن سی و چهل و پنج سالگی در هیجدهم ربیع الاول ۱۲۶۸ دنیا را بدرود گفت و میهن پرستان حقیقی را داغدار ساخت و بدیگر سرا شتافت

آن شعله آسمانی خاموش شد ولی نام بلند او در زاویای قلوب آزادمردان کشور جاویدان است درود بر روان او و آفرین بآن آزادگانی که اندیشه های او را بکار برند و بدان راهی شوند که او رفته است .

عده از معلمین قدیم دارالفنون

ردیف ایستاده از راست بچپ یحیی خان مترجم توپخانه ــ مادروس خان معلم زبان روسی ــ جناب آقای مهدیقلیخان هدایت مخبر السلطنه معلم و مترجم زبان آلمانی ــ مرحوم علی اکبرخان مزین السلطان معلم زبان فرانسه و نقاشی و معاون موزیك ــ مرحوم دکتر امان‌الله خان خلیفه کلاس طب و معاون دکتر آلبو معلم طب

ردیف نشسته از راست به چپ ــ مرحوم باقر خان معلم شیمی و معدن شناسی ــ مرحوم دکتر محمد خان کرمانشاهی رئیس مریضخانه دولتی ــ مرحوم میرزا کاظم معلم طبیعیات ــ مرحوم علی اکبرخان رئیس الاطباء معلم طب ــ مرحوم میرزا ابوالقاسم نائینی سلطان الحکماء معلم طب ایرانی ــ مرحوم میرزا ایغان آصف الحکماء رئیس قسمت آبله کوبی

شعر از عباس هنرور

پیام امیر کبیر
دور ما بگذشت هان عهد شماست

ای جوانمردان که فرزند منید — شام ایران را چراغ روشنید
ای شما را از هنر مندان نژاد — اوستا دان هنر را اوستاد
ای تو از آباء همت یادگار — همتی نو کن که نوشد روزگار
کاروان دانش از ما دور ماند — آفتاب خاوری بی نور ماند
عصر استبداد و دوران دروغ — من جهان علم را دادم فروغ
نغمه دارالفنون کردم بلند — تا شود بیدار نسل هوشمند
باز کردم راه دانشگاه را — تا تو آسان طی کنی این راه را
دور ما بگذشت هان عهد شماست — خاك ایران تشنه جهد شماست
رهبر آبادی ایران شوید — روشنی بخش جهان جان شوید

حسین حسن قاجار

تاریخچه مختصر دارالفنون

هنگامیکه **میرزا تقی‌خان امیر نظام** بهمراهی خسرو میرزا بروسیه رفت دراثر مشاهده ترقیات‌حیرت انگیز آن کشور بنقایص سازمانهاء فرهنگی کشور خود پی برد و برآن گردید که ایران‌عقب‌مانده را بکاروان‌مدنیت نزدیك سازد.

علی‌قلی میرزا «اعتضادالسلطنه»

لذا در نخستین روز هائی که امیرزمام‌امور کشوررا بدست گرفت و بصدارت ایران برگزیده‌شددرصددایجاد دارالعلمی برآمد و قدمهای مثبتی برداشت ولی کار شکنیها از یك سو و دشواریها از سوی دیگراندیشه هـای او راعقیم میگذاشت.

در آغازکار **ناصرالدین شـاه** باگشایش **دارالفـنون** نظرموافقی نداشت، چه میترسید که روحانیون خشك ومتعصب و ماجراجویان کار شکنی کنند و غوغائی پدیدآورند. شاه‌معتقد بود دانشجویانی را بکشورهای بیگانه بفرستد تا ارمغانهـائی ازفنون و علوم اروپائی بایران عزیز بازگردانندلیکن کوششهای امیر نقشه‌های شاه رادر نوشت ومقدمات گشایش دارالفنـون

فراهم گردید و اولین سنگ بنای آن در محل کنونی بنیان نهاده شد، نقشه بنارا **میرزا رضا خان مهندس** طرح کرد و **محمد تقی خان معمار باشی** که از معماران آن روزگاران بشمار میرفت ساختمان این کاخ را آغاز کرد و قسمت شرقی آن در سال ۱۲۶۷ پایان یافت .

امیر **جان داود ارمنی** را بعنوان سفیر فوق العاده با نامه هائی چند مامور دربار امپراطور اطریش و استخدام معلمین نمود. جان داود پس از رسیدن بحضور امپراطور نامه های خود را تسلیم نمود و موفق باستخدام صاحب منصبان زیرین گردید

بارون کومنس	Gumonës	معلم پیاده نظام
اوگوست کرزیز	Krziz	» توپخانه
زاتی	Zattie	» مهندسی
نمیرو	Nemiro	» سوار نظام
کارنتا	Carnotta	»معدن شناسی
دکتر پلاك	Dr. Polak	»طب ودواسازی

و بالاخره درجمعه ۲۷ محرم « ۲٤ نوامبر ۱۸۵۱ » یعنی دوروز بعد از بر کناری امیر با همراهان خود وارد تهران شد و آنان را به شاه معرفی نمود .

دکتر پلاك دراین باب شرح تاثرانگیزی می نویسد که ما عین ترجمه آنرا نقل می کنیم :

« مادرروز ۲٤ نوامبر ۱۸۵۱ واردتهران شدیم. پذیرائی سردی ازما نمودند. احدی باستقبال ما نیامد واندکی بعد خبردار شدیم که دراین میانه اوضاع تغییر یافته وچندروزی قبل ازورود مادر نتیجه توطئه های درباری وعلی الخصوص توطئه مادر شاه که از دشمنان امیر نظام بود میرزا تقی خان معضوب گردیده است »

« همین که امیرازورودما اطلاع حاصل نمود دومین روزی بود که توقیف شده بود. میرزاداود خان را که ازاروپا مراجعت کرده بود احضار نمودو باو گفته بوداین نمسه ای های بیچاره رامن بایران آورده ام. اگر سرکار بودم اسباب آسایش خاطر آنهارا فراهم می ساختم ولی حالامی ترسم بآنها خوش نگذرد. سعی کن کارشان رو براه شود . در چنین موقع نا مساعدی بود که وارد ایران شدیم .

امیر درست فهمیده بود که ما وظایف خود را نه برطبق نظریات او نه بدلخواه خودمان انجام دادن نخواهیم توانست» .

ناگفته نگذاریم که پس ازاستخدام معلمین اتریشی وزیرمختار انگلیس

باین عمل اعتراض کرده و در اثر اصرار و فشار او تنی چند از معلمین ایتالیائی و فرانسوی و آلمانی نیز استخدام شدند **متر اتسو ، پشه ، دکتر اسمیلر ، بوهلر گاژرپلو** » که نیکو یادگارهائی از خود بجای گذاشتند .

چند تن از دانشمندان ایرانی نیز برای تدریس دعوت شدند که معروفترین آنها **میرزا احمدطبیب کاشانی** است که طب ایرانی را با استناد بقانون بوعلی تدریس می نمود . **دیگر شیخ محمد صالح اصفهانی** که عربی و فارسی را میآموخت **ملکم اصفهانی « ناظم الدوله »** مترجمی دررشته مهندسی وجغرافیارا عهده دار بود وتدریس زبان فرانسه بعهده **ریشارد خان** فرانسوی محول گردید.

محمد حسن خان اصفهانی « ادیب الدوله »

گشایش رسمی دارالفنون در روزی آغازشد **« یکشنبه پنجم ربیع اول ۱۲۶۸ »** که بانی حقیقی این کاخ فرهنگی دقایق تلخ وزهراگین زندگانی خودرادر باغ فین کاشان میگذرانید.

ریاست دارالفنون در ابتدا با **میرزا محمد علی خان شیرازی** وزیر امور خارجه بود ولی دوران ریاست او دیری نپایید و درهیجدهم ربیع الثانی ۱۲۶۸ درگذشت و **عزیز خان مکری آجودانباشی کل عساکر ایران** بمدیریت دارالفنون برگزیده شد و **رضاقلی خان امیر الشعراء** معروف **بهدایت** بنظامت آن انتخاب گردید .

در سال ۱۲۷۲ **شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه** که از دانشمندان بنام بود ریاست دارالفنون را بعهده گرفت . شاهزاده اعتضاد-السلطنه نیز پس از چندی ریاست را برضاقلیخان هدایت سپرد و این رئیس جدید هیجده سال متوالی عهده دار این کار مهم بود و پس از اشتغال بکار دیگر **جعفر قلیخان نیر الملك** بسرپرستی دارالفنون انتخاب گردید .

ناصر الدین شاه بارها برای آزمایش دانش آموزان بدارالفنون میشد و معلمین را بفراخور دانش و لیاقتشان انعام میداد . و مالیات ملایر و توسیرگان را برای هزینه این دستگاه فرهنگی تخصیص داد و با همین بودجه بود که دارالفنون دارای کتابخانه زرگی گردید. کتابخانه دارالفنون در وزارت علوم **علاء الملك**

آقای اسمعیل امیرخیزی

بکتابخانه ملی پیوست و بنام کتابخانه معارف موسوم گردید و در ۱۳۱۶ خورشیدی بنا بر تصویب شورای عالی فرهنگ بنام کتابخانه ملی شناخته شد.

مطبعین دارالفنون در آغاز مشروطیت از رهبران آزاد و مشروطیت بودند و این کانون فرهنگی قبله آزادیخواهان بود، دانشجویانش جوش و خروشی داشتند و لبریز از احساسات پاك بودند.

در دوران مشروطیت ریاست این کانون فرهنگی گاه با **محمدحسین خان اصفهانی معروف بادیب‌الدوله** و زمانی با **مسیح‌الدوله** بود.

در دوران شاه فقید سرپرستی دارالفنون بعهده آقای **اسمعیل امیرخیزی** محول گردید و اکنون ریاست آن با **دانشمند محترم جناب آقای محسن حداد** است.

آقای محسن حداد

بهـــار

موسمی دلکش و نوروز فرح زائی بود سوسنی خنده زن و نرگس شهلائی بود
نغمه زیر و بم و زمزمه نائی بود بوستان بزم گل و فصل دلارائی بود
دامن دشت و دمن پر گل و ریحان دیدم

روی زیبای ریاحین و نسیم سحری قطرهٔ آب روان بر رخ گلهای طری
لاله باچهره افروخته درجلوه گری نرگس مست نمایان شده باتاج زری
بلبل دلشده بر شاخ غزلخوان دیدم

بس دل انگیز نسیمی وزد از دامن کوه طعنه برچرخ زند باغ ازاین فرو شکوه
گیسوی سنبل ازریزش شبنم بستوه چمن ازعشوه گری برده زدلها اندوه
عـالم پیر جوان با رخ شادان دیدم

خیره برروئق نوروز و گل زیبایم فارغ از بـاده و ساقی و قد رعنایم
میدهد نالهٔ ازقول دل این آوایم که جوانی شد و پژمرد گل رعنایم
زندگی را همه پرمحنت و حرمان دیدم

عباس باقری

نوروز

نوروز یکی از یادگارهای دوران باستانی است . قرنهاست که این جشن باشکوه پایدار است و هنوزنفوذ آن در توده‌های ایرانی استوارمیباشد، این جشن که دارای ریشه مذهبی است هم اکنون از سنن ملی شمرده میشود . اساسی‌ترین جنبه مثبت این آئین کهن آنست که جشن نوروز در روزهائی بپا میشود که طبیعت جوانی از سر میگیرد ، جهان پیر را روان نوین بدیدمیآید. سبزه گریبان خاك را میدرد و مستانه از دل زمین میدمد و جهانیان رابآینده تابان نوید میدهد ، همه و همه شادان میشوند و روزگار نوی‌را آغازمیکنند. **برگزیدن این‌جشن باستانی‌درچنین روزهای فرخنده بهترین نمونه لطافت‌ذوقی پدران‌ماست.** ایرانیان در رزمهای سیادت و یا دوران نکبت این جشن را از یاد نمیبردند و آئین باشکوه آنرا بکار میبستند . غنی وفقیر، کهتر و مهتر ، فرماندار و فرمانبردار ، در این سرور همگانی بای کوبی میکردند و بفراخور توانائی خویش بزم سوری بپا مینمودند .

شکست‌ها ومغلوبیت‌ها نتوانست ملت کهنسال ما را دردورههای‌سقوط و بینوائی از برگزاری چنین جشنی باز دارد و اینك ما با استفاده از تحقیقات و تتبعات یکی دو تن از استادان ادب نکات تاریخی زیرین را در بـاره این جشن ملی و باستانی مینگاریم.

ایرانیان قدیم سال را بدو بخش تقسیم مینمودند یکی‌زمستان که «**ریم**» نام داشت و عبارت از پنج ماه بود .دیگری تابستان که آنرا «**هم**» میگفتند و از هفت ماه تشکیل‌میشد وبدین ترتیب‌سخنی از بهار وپـائیز در بین ایشان وجود نداشت فقط هنگام سبزی و خرمی و گیاه طراوت و زیبائی طبیعت را «**زرمید**» مینامیدندولی‌در نوشته های‌پهلوی تقسیم‌سال به‌چهار فصل بشکل‌امروزی:

فروردین و اردیبهشت و خرداد	«بهار»
تیر و مرداد و شهریور	«تابستان»
مهر و آبان و آذر	«پائیز»
دی و بهمن و اسفند	«زمستان»

دیده میشود .

در ایران قدیم ، قبل از نفوذ و رواج دین مزدیسنا و شیوع تقویم زردشتی سال نو با ماه «باك یادی» شروع می شده است . داریوش در سنك نبشته بیستون اسم نه ماه از ماه های فرس هخامنشی را می آورد که در آن میان « باگادیس » و « گرماپادا »وهمین باگ یادی که ماه‌شروع سال نو بوده است ، دیده میشود .

در روزگار داریوش « ۵۰۵ قبل از میلاد » تقویم دینی زرتشت رواج یافت و در ترتیب و تنظیم ماهها و گاه شماری تغییراتی بوجودآمد منجمله ماه مهر « اول پائیز » جانشین باگ یادی « ماه اول زمستان هفت ماهی » گردید و **جشن مهرگان بجای جشن باگ یادی بکار رفت**

در مقابل این عید جشن دیگری بنام « نوروز » در آغاز تابستان قرار داشت .

در ادوار قدیم ایرانیان سال را به ۳۶۵ روز تقسیم میکردند . البته میدانیم سال حقیقی ۳۶۵ روز و پنج ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه است . و در اینجا اختلافی بین سال ایرانی با سال شمسی حقیقی بوجود میآید . آنان برای رفع این اختلاف بجای اینکه متن تقاویم دیگر در پایان هر چهارسال یکروز بنام « **کبیسه**» اضافه کنند . در هر صدو بیست سال یك سال را سیزده ماه میگرفتند و این ماه اضافی را « **کبیزك** » یعنی مبارك می نامیدند .

باید دانست که سال شمسی حقیقی بعلت اینکه دارای دقیقه و ثانیه است محاسبه آن مثل تمام سالهای معمولی دنیا مواجه با اشکالاتی است که در هر تقویمی آنرا بنحو معین و مخصوصی رفع میکنند . مثلا در سال ۹۹۰ میلادی **پاپ گریگوار** این اختلاف را بطرز مخصوص ودقیقی رفع کرده که امروز مورد قبول اغلب ملل اروپائی است .

در ایران نیز در سال ۴۶۷ هجری این اختلافات با وضع تقویم جلالی رفع شده دقت این تقویم از نظر محاسبه و تطبیق آن با سال شمسی حقیقی بیشتر از تقاویم دیگر است با وجود این بازهم پس از گذشت چندین هزار سال باجمع ثانیه ها و ثالثه ها اختلافی نمودار خواهد شد که بوضع مخصوصی باید رفع گردد .

در هر صورت همانطور که گفتیم چون در زمان داریوش ((۵۰۵

قبل از میلاد)) در تقویم زرتشتی کبیسه از بین‌رفت ، اختلاف بین‌سال‌معمولی و سال شمسی حقیقی رفع نشد و نوروز نیز در سال حقیقی بگردش افتاد و هر سال در حدود شش ساعت عقب ماند . بطوریکه در سال یازدهم هجرت که مصادف با جلوس یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است . نوروز در ۱۶ ژوئن یعنی نزدیك تابستان قرار گرفت و از آن تاریخ نیز هر چهار سال یك روز « هر سال شش ساعت » عقب ماند تا درسنه ٤٦٧ هجری نوروز در ۱۳ حوت یعنی هفده روز بآخر زمستان واقع گردید در این‌وقت **جلال‌الدین‌ملك‌شاه‌سلجوقی** تقویم جدید جلالی را ترتیب‌داد و نوروز را در اول بهار که موقع نجومی تحویل آفتاب به برج حمل است ثابت نگهداشت .

ملکشاه برای اینکه سال معمولی یعنی‌سال تقویم جلالی اختلافش باسال شمسی حقیقی کم شود اینطور قرار گذاشت :

در هر چهار سال یکبار سال را ۳٦٦ روز شمرده و پس از تکرار این عمل تا هفت بار « ۲۸ سال » در دفعه هشتم بجای اینکه سال چهارم را ۳٦٦ روز حساب کنند نسبت بسال پنجم « سال سی وسوم » این عمل‌راانجام دهند و بدین ترتیب چنانکه ذکر شد روبهمرفته سال‌جلالی نزدیکترین‌سالهای معمولی‌دنیا بسال شمسی حقیقی است .

گفتیم‌ایرانیان قدیم فروردین راجشن میگرفتند . این جشن نیزمانند مهرگان بنیاد دینی دارد. نوروز روزیست که بعقیده زرتشتیان فروهر ها یعنی نیروهائی که ابتدا در عالم مینوی وجود داشته و مزدا آن را در آفریدگان پاك سرشتش نهاده‌است وپس‌از ایشان مجددا بآن عالم مینوی رفته‌اند ، ازجهان ملکوتی بسرای خود مراجعت‌نموده و یا بعبارت دیگر روزیست که ارواح مردگان‌بمنازل خود بازمیگردند وبنابرهمین عقیده بود که ایرانیان‌قدیم‌دراین‌روزخانه‌های‌خودرا پاك‌وتمیز نموده وآنرا باگلها وسبزه های گوناگون مزین میکرده اند وضمنا معتقد بودند که‌اگر منازل خودرا زیبا وبهترآرایش دهند.این‌فروهرهایاارواح مردگان‌پس‌ازمراجعت‌بسرای اصلی خود و رفتن‌نزدمزدا ازدرگاه‌او برای آنها تقاضای بخشش‌وطلب عفو و آمرزش خواهندنمود و آنوقت وضع‌زندگانی‌ایشان بهتر خواهد شد و در نتیجه رفاه بیشتری‌خواهندیافت

هرچند دیگراین عقاید ازبین رفته ویا بصورت دیگری درآمده است معذلك آن‌آداب ورسوم‌تاکنون بین‌ایرانیان وشاید هم بین اقوام وملل‌دیگری معمولی‌است.

باید متذکرشدکه این عید ملی وباستانی‌که درازمنه قدیم واعصار گذشته مرسوم‌بوده هرچندکه زائیده تصوری مذهبی‌است لیکن همواره‌جنبه‌های

دیگری نیز همراه داشته است تا اینکه امروز بصورت یك سنت تاریخی و آئین ملی درآمده است.

پس بطور خلاصه این جشن که مخصوص اموات بوده است نخست درموقع معینی ثابت نگهداشته میشد ولی با معمول شدن تقویم مذهبی زرتشت و از میان رفتن کبیسه وتغییر سال درفصول مختلف نوروز بگردش افتادولی سرعت تغییر زمان آن مثل اعیاد فعلی اعراب نبود زیرا اختلاف سال معمولی اعراب با سال شمسی حقیقی یازده روزمیباشد و حال آنکه درسال معمولی ایرانیان این اختلاف بیش ازشش ساعت نبوده و بکندی حرکت میکرده است وبعد ها نیز با معمول شدن تقویم جلالی در ٤٦٧ هجری نوروز دراول بهار ثابت شده ومفهوم حقیقی خود یعنی روز نورا بدست آورده است.

نوروز منحصراً مخصوص دوران قبل از اسلام نیست بلکه پس از ورود تازیان بدین سرزمین و همچنین هنگام حکومت خلفای عرب نیز قدرت و نفوذ خود را حفظ کرده وحتی بین خوداعراب هم معمول ومرسوم گردیده است چنانکه در آن ایام در چنین روزی دردربارها و سراکزامراء ووزراء جشن گرفته میشد و طبق همان رسوم قبلی ازاطراف برای ایشان تحف وهدایائی میفرستادند.

دراعصار قدیم چنانکه مورخین اروپائی هم ذکر کرده اند دراین روزدردربار پادشاهان ایرانی جشنهای باشکوه ومفصلی برپامیگردید و در باریان بشادی و مسرت میپرداختند وتنها دراین روز بود که شاهان شراب می نوشیدند وخوشگذرانی میکردند

در این ایام از اطراف برای پادشاهان و حتی وزراء و امراء تحفه ها و هدایائی فرستاده میشدو مردم نیز دراین ایام غرق درشادی مسرت بودند و هریك بفراخور خویش و طبق رسوم وقت بمسرت وشادی میپرداخته اند چنانکه اکنون نیز مرسوم است ازمدتی قبل بخود وخانه های خود پرداخته وسائل زندگانی خودرا تمیز وگردو غبار یکساله آنرا میزدودندو باصطلاح خود آماده پذیرائی از ارواح و یا فرورها میشدند.

بعداز ظهور اسلام نیز همین رسوم در دربارخلفاو بین مردم معمول بود چه تازیان پس از ورود بایران این جشن کهنسال راپذیرفته و بین خود مرسوم ومعمول داشتند و از همین راه بود که این جشن باستانی وملی دراقوام دیگر مانند مصری ها که دست نشانده اعراب بودند نفوذ و رواج یافت و اهمیت و عظمت مخصوصی پیدا کرد.

بعداز اعراب نیز ایرانیان ایـن جشن ملی وسرور باستانی را حفظ نموده وبشادی ومسرت دراین روز فرخنده می پرداختند

ازجشن هائیکه دراین عید باستانی دردربار امراء طاهری ، صفاری ، سامانی ، آل بویه ، آل زیار ، دیلمیان خوارزمشاهیان ، مغول تیموری ، و

صفویه و .... برپامیگردید حکایتهای زیادی نقل میکنند که بی نهایت قابل توجه ودقت است .

دراین روز فرخنده پادشاهان برتخت نشسته آنگاه درباریان و بزرگان کشور وامرای لشگررا بنزدخود میپذیرفتند وپس از تبریك وشادباش وتهنیت سال جدید مجلس سور وسروری تشکیل میدادند . معروف است :

عضدالدوله دیلمی. درآن هنگام که مشغول آبادانی شیراز بود کاریزی خارج ازشهر بکند و هنگامیکه آب کاریزوارد شهر شد هفدهم فروردین بود اواین روزرا نوروزعضدالدوله نامید وهرسال درچنین روزی برتخت می نشست وافسرشاهی برمینهاد آنگاه منجمی سال نوراباو تهنیت وتبریك میگفت وسپس رامشگران آهنگها مینواختند واوهم شراب شاهانه خویش را باجامهای زرین مینوشید وباندیمان زیبا وخوش اندام بتفریح وراز ونیاز می پرداخت ونیز هریك ازوزراء ورجالی که دراین جشن شرکت مینمودند هدایائی گرانبها و ذیقیمت به پیشگاهش تقدیم میکردندو همین جریان نیز درکاخهای رجال واعیان کشور بین افراد مردم و توده ملت دیده میشد

اکنون نیزاین آئین کهن و باستانی که تنها یادگار نیاکان ماست جزو سنن رسمی واعیاد عمومی ملت وتوده های ایرانی محسوب میشود

در این جشن ملی وفرخنده خواص بیشماری وجوددارد که همان خواص باعث عظمت و بقای آن درمیان ملت ایران وسایر ملل گردیده وبدرآینده نیز این آئین پایدارخواهد بود .

مجید دوامی

تخت جمشید در آتش و شمشیر میسوخت

حکومت دویست ساله هخامنشی که با فداکاری‌ها و ازخودگذشتگیهای مردان میهن‌پرست وخدمتگزار بردنیای‌متمدنی‌فرمانروائی میکرددرسال ۳۳۰ قبل‌از میلاد دربرابر هجوم جنگجویان خونریز اسکندر مقدونی درهم گسیخت واثری ازآن همه عظمت و شکوه بجای نماند . سربازان مغرور وسبك مغز اسکندر بدانسان برآبادانیهای آن روزگاران تاختند که جز بدبختی و ناکامی نشانی بجای نگذاشتند.

تخت‌جمشید ، آن‌شهر دل‌انگیز تاریخی بادادن ملیونها قربانی بدست خفاشان شوی گشوده شد ودوران سیادت شهریاران هخامنشی پایان یافت .

آسمان آنروز درخشنده و تابان بود. کبوتری زیبا برفراز ستونهای سر بر آسمان کشیده تخت جمشید چرخ می خورد ، سکوتی هراس انگیز و مرگبار حکومت میکرد ،گوئی کاخ دارا درمرگ خداوندان خود میاندیشید وباهریمنان نابکار نفرین‌میفرستاد .

این کاخ‌قرنها ناظر صحنه‌هائی اززندگی ملتی نیرومند وتوانابودولی امروز جغدان درآن لانه کردند وزاغان نواخوانی میکنند. اسکندر مست با معشوقه سرمست وسبك‌مغزش درزیر سقفهای باعظمت وجلال بارگاه خشایار شاه نردعشق میباخت.

ــ تائیس ، امروز چه فرح بخش و زیباست ، آسمان را نظاره کن، زیبائی سحر انگیزی دارد . انسان را بیاد رویا های دوران سعادت وخوشی میاندازد ، راستی تائیس این روز قشنگ هفته‌ای را بیاد من میآورد که صحنه های مرگبار جنگ‌آزارم میداد وجز نعره های‌جانسوزقربانیان جنگ‌توائی نمی شنیدم ، همه‌جا مرگ، همه‌جا شیون ، همه‌جا سکوت ، همه جا عزا ، خانه ها درآتش خشم وانتقام میسوختند و شهرها در زیر سم‌اسب سربازان زیر ورو میشدند، اوه، چه‌صحنه های غم‌افزا ووحشت‌آوری بود،

ولی امروز درپناه **آپولن** بزرگ فاتح وپیروزمندیم ، دیگر درد و رنجهای جنگ روح مرا نمی‌آزارد ، عشق‌بتو ، آری‌تو ، ای‌زیبا تراز ماه

درون آشفته‌ام را آرامشی میبخشد ، جهانی را گشودم ، جهانگشایان گیتی‌را برخاك افکندم ، کاخی‌را تکیه گاه خویش‌ساختم که قرنها قبله دنیائی بود. با این‌همه قدرت وعظمت در پیشگاه تو نازنین‌عزیز توانائی و نیروئی ندارم، آرزو دارم که با دست پرمحبت‌خود مرا بنوازی‌وشرنك زندگی‌رادر کامم شیرین‌سازی و بگذاری که پس از آن‌همه جنك و خونریزی زندگی را باشادکامی گذرانم ، ایا اجازه میدهی که نازنین **دستهایت را ببوسم** .. راستی‌تائیس ازیاد ببرده‌ای که دیروز چه میگفتی ، وه ! چه‌جمله جان‌گدازی - **گفتی عشق تو را میپذیرم بشرط آنکه‌این‌کاخ پرعظمت راآتش بزنی ، نه‌تائیس رحم کن** ، از این‌اندیشه شیطانی درگذر ، این کاربرای من دردناك و وحشت افزاست ، هروقت منظره آتش زدن‌این کاخ‌را مجسم می کنم برخود میلرزم و نعره های‌دردناکی برمی‌آورم ، تائیس . بهتر نیست از این داستان درگذری و چنین‌خواهشی از دلسوخته خودنکنی

این مجسمه های‌با شکوه ، این نقوش فریبنده زیبا بادیدگان خشمگین مرا مینگرند ، ارواح شهریارانی که این کاخ را بنیان نهاده‌اند باچهره‌هائی برافروخته ونگاههائی هراس انگیز مرا مینگرند ، و بمرك و نیستیم تهدید می کنند ، **تائیس آتش زن‌تخت جمشید یعنی مرك من**امروز باجهانی بندگی دربرابر توزانو میزنم بمن رحم کن وعشق‌مرا بپذیر آه!تائیس حرف بزن ، باز هم‌خاموشی....

نه ، نه ، تواشتباه میکنی ، چراگفته های خویش را تکراو میکنی ؟ بیدرنك آتش سرخ را برافروز و این کاخ زیبارادر شعله های سرخ‌گون آن بسوز تامن تورا در پناه لهیب‌آتش درآغوش‌گیرم وآهسته‌وآرامت ببوسم.

***

شعله های آتش زبانه میکشید وزیبا ترین یادگار تاریخی‌ما میسوخت، کاخی‌فرومیریخت که قرنها پرستشگاه‌جهانگشایان گیتی بود، ستونها واژگون‌میشد فردای آنروز ، جزتوده های خاکستر ازآن دلکشا کاخ اثری برجای نبود، فاخته‌ای برفراز آسمان غم‌افزای تخت‌جمشید بپرواز درآمده وچنین میگفت:

بر قصر گهر ریزت ، بر پایه دهلیزت
کوجم که دهدفرمان، کو درگه‌وکو دربان
جم عبرت مردم شد ، افسر زِ سرش گم شد
سرخشت سرخم شد، هان ای شه‌باهش هان
بر باز سپید روز ، بر زاغ سیاه شب
نی آب بجز خون شد ، نی دانه بجز ابدان

مصاحبه

باجناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی

تعمیم تعلیمات ابتدائی اساسی ترین اقدامات اصلاحی است که در کشور ما باید صورت گیرد

س ــ عقیده جنابعالی درباره اجرای قانون تعلیمات اجباری چیست؟ آیا قانون اخیر شما برای اجرای کار کافی است یا خیر؟ در صورت کافی نبودن برای اجرای این کار چه تصمیماتی در آتیه اتخاذ خواهید کرد؟ وچه مشکلاتی درراه اجرای این قانون بعقیده شما وجوددارد؟

ج ــ عقیده خودرا درباره تعلیمات اجباری از بیست و پنجسال پیش باین طرف مکرر گفته و نوشته ام ومخصوصا هنگام تقدیم لایحه آموزش و پرورش اجباری مجانی درسال ۱۳۲۱ بمجلس سیزدهم ودر مدت هفت ماهیکه برای بتصویب رساندن آن صرف کردم در این بابچه در مجلس وچه بوسیله جرایدو رادیو توضیحات کافی داده ام. خلاصه اینست که تعمیم تعلیمات ابتدائی اساسی ترین اقدامات اصلاحی است که در کشور ما بایدصورت گیرد و تا این اقدام اساسی بعمل نیامده ترقی واقعی در هیچیك از شئون کشور مبنای صحیحی نخواهد داشت و مخصوصا حکومت دموکراسی در این مملکت ازحدود لفظ خارج شده وحقیقت ومعنی پیدا نخواهد کرد.

برای رفع مشکلاتی که در این راه هست (ساختن مدرسه و تربیت معلم بقدر کافی) پیش بینیهای لازم در قانون آموزش و پرورش اجباری مصوب مرداد ۱۳۲۲ وقانون متمم آن (که فعلا در مجلس است) شده است و هرگاه بیست درصد از بودجه کل کشور بوزارت فرهنك بدهنددرعرض کمتر ازده سال تمام دبستانها وتمام معلمین که برای عمومی و اجباری کردن تعلیمات ابتدائی لازم

است تهیه خواهد شد و درمدتی کوتاه زدودن لکه ننك بیسوادی از دامان ملت ایران میسر خواهد گردید.

س ــ اگر مدارس تخصصی از قبیل آموزشگاههای صنعتی و فلاحتی در نقاط مختلفه کشور بخصوص در نواحی فلاحتی و صنعتی ایجاد گردد نتایج آن برای جامعه ایرانی بهتر از آموزشگاههای کنونی نخواهد بود ؟

ج ــ نه تنها بهتر خواهد بود بلکه لازم و واجب است و باعتقاد من اگر در این اقدام بیش از این تاخیر شود نتائج وخیم برای جامعه ایرانی خواهد داشت . ماده اول قانون متمم آموزش و پرورش که اینجانب دو ماه پیش تقدیم مجلس شورای ملی کردم با توجه باین موضوع اساسی تنظیم گردیده است آن ماده که ضمنا تعمیم تعلیمات ابتدائی را تضمین میکند این است :

ماده اول ــ از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ده سال وزارت فرهنك مکلف است همه ساله لااقل چهار پنجم (٥ــ٤) بودجه خودرا برای باسواد کردن مردم کشور و اجراء قانون آموزش و پرورش اجباری مجانی مصوب ٦ مرداد ١٣٢٢ و تاسیس آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای تخصیص دهد .

در ماده دوم همین قانون پیش بینی شده است که مدارس حرفه‌ای مجانی خواهد بود .

س ــ عقیده جنابعالی درخصوص برنامه فعلی مدارس بخصوص دبیرستان ها چیست؟

ج ــ برنامه خالی از نقص نیست و باید مورد تجدید نظر واقع شود ولی در این باب دو نکته را نباید از نظر دور داشت یکی اینکه تجدید نظر باید از طرف متخصصین درجه اول و معلمین باتجربه ازروی نهایت دقت صورت گیرد و پس از آن لااقل یك دوره کامل مورد آزمایش واقع شود یعنی هرسال یادوسال یك مرتبه آنرا تغییر ندهند.

دیگر اینکه در تربیت معلمین باید دقت بیشتری مبذول گردد زیرا بهترین برنامه دردست معلمین نا مناسب بدترین وجه اجراء خواهدشد و بر عکس معلمین خوب می توانند درعمل نقایص بدترین برنامه‌هارا برطرف سازند یاجبران کنند:

س ــ عقیده جنابعالی در باره استقلال فرهنك چیست؟ اگر وزارت فرهنك نیز مانند دانشگاه مستقل شده و با روی کار آمدن هردولتی نقشه معینی را دنبال نماید پیشرفت کار آن بهتر نخواهد بود ؟

ج - قانون اساسی و مقررات قانونی دیگر اجازه نمیدهد که وزارت فرهنگ مانند دانشگاه مستقل شود ولی برای تامین ثبات سازمان فرهنگ و جلوگیری از اینکه با تغییر دولتها و وزیر فرهنگ اصلاحات و نقشه های فرهنگی و برنامه مدارس دستخوش تغییر واقع شود راههای دیگری هست که اهم آنها تقویت شورای عالی فرهنگ است که باید نظارت عالیه و دقیق بر تمام اقدامات فرهنگی و بر اجرای قوانین و مقررات داشته باشد از اینرو لایحه قانونی جدیدی برای شورای عالی فرهنگ تنظیم و تقدیم مجلس شورایملی گردید.

چند پرده از زندگانی:
جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی

جناب آقـای دکتر علی اکبر سیاسی وزیر دانشمند و محبوب فرهنك درسال ۱۲۷٤ در تهران متولدشدند.

تحصیلات خود رادرمدارس خرد وسلطانی وعلوم سیاسی در ایران آغاز کرده و در مدارس عالی فرانسه بپایان‌رسانیدند وازسال ۱۲۹٦ بمعلمی **دارالفنون** تهران مشغول گردیدند

در سال ۱۳۰۰ باآقایان مرآت ومشرف نفیسی وجمعی دیگرازافراد میهن پرست **حـزب ایران جوان** را تاسیس کردند

چندی‌مشاور حقوقی‌ومستشار سفارت‌فرانسه بودند ولی هنگامیکه دولت ایـران بفرمان شاه سابق بادولت فرانسه قطع روابط کرد، ازآن‌کار استعفا نمودند ضمنا در سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ برای تکمیل‌تحصیلات خود باروپا سفر کرده‌ورساله ایشان مورد توجه آکادمی قرارگرفت ویکی ازجوائزآکادمی درسال ۱۹۳۲ بایشان اعطا گردید.

درسال ۱۳۱۲ بریاست تعلیمات‌عالیه منصوب شدند و از آن پس بشغل استادی دردانشکده ادبیات اشتغال‌داشتند ،تااینکه درمرداد ۱۳۲۱ بوزارت فرهنك منصوب شدند . **بزرگترین خدمات ایشان در دوره وزارتشان ،گذراندن قانون تعلیمات اجباری ازمجلس سیزدهم است .**

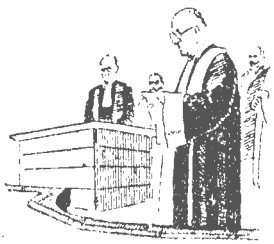

دانشکده معقول و منقول را هم کـه تعطیل شده بود. دوبـاره دائر و دانشگاه را از وزارت فـرهنك جـدا نموده مستقل ساختند و از **دکتربنش** ، رئیس جمهوری چکوسلواکی، در دانشگاه پذیرائی کـرده و دکترای افتخاری دانشگاه تهران را در حضور اعلیحضرت شاه به‌ایشان اعطا نمودند.

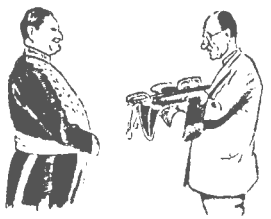

در اول شهریور۱۳۲۲ براثر عدم تمایل فکری و اخلاقی با نخست وزیر وقت نامه شدیدالحنی بایشان نـوشته و **ازعضویت** دولت استعفا دادند .

... واکنون نیز برای بار دیگر درکابینه جناب آقای حکیمی بوزارت فـرهنك منصوب و ریاست دانشگاه را نیز بعهده دارند.

آقای دکتر سیاسی در جـامعه فرهنگیان محبوبیت شایانی داشته ونام ایشان را به نیکی‌یاد میکنند زیرا وزارت ایشان همیشه توأم باپیشنهاد وتصویب قوانین مفیدفرهنگی بمنظور تعلیم‌وبسط فرهنك ورفاه حال معلمین وقاطبه آموزگاران است

سازمان اداری وزارت فرهنك

جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی « وزیر فرهنك»

جناب آقای دکتر محمود مهران « معاون »

جناب آقای دکتر مهران معاون وزارت فرهنك از شخصیتهای برجسته کشور میباشند .

دکتر مهران جلوه از شرافت و پاکدامنی است...معاون‌وزارت‌فرهنك در جامعه فرهنگیان محبوبیت شایانی دارد . همه این دانشمند عالی‌مقام را ازدل وجان دوست دارند و صمیمانه باو احترام میگذارند .

تالیفات عمیق وشیوای‌دکترمهران از نیروی منطق و تند ذهنی او حکایت می کنند.

سالهاست که دکتر مهران عهده دار کار های حساس فرهنگی است و در خلال این دوران دلهای فرهنگیان را مسخور فضائل اخلاقی خود ساخته است .

مدیر کل اداری	آقای دکتر نصرة الله نصیری
« فنی	« محمد یزدانفر
« اوقاف	« محمد بخدا
« نگارش	« دکترعلی‌فرهمندی
« باستانشناسی	« اندره گدار
اداره کل کارگزینی	« آجودانی

» بازرسی	آقای صدرالدین دست غیب
» تعلیمات عالیه	» دکتر احمد علی آبادی
» فرهنگ تهران	» علی اکبر مهران
» فرهنگ شهرستان	» محمد جعفری
» امتحانات و برنامه ها	» محمد میرفخرائی
» تعلیمات اجباری « معاون »	» علینقی بهمنیار
» تبلیغات	» علی اصغر عدیلی
» حسابداری	» کاظمی
» کاربردازی	» زین العابدین حکمت
» تربیت بدنی	» ابوالفضل صدری
» تعلیمات اکابر	» علی اصغر شمیم
» موسیقی کشور	» پرویز محمود
» ساختمان	» مهندس جعفریان
» باستان شناسی	» محمد تقی مصطفوی
» دفتر وزارتی	» سلیم نیساری
» دبیرخانه شورای عالی فرهنگ	» عبدالله رهنما
» بهداری آموزشگاهها	» دکتر منوچهر هدایت

بقلم : یکی ازدبیران دارالفنون

حداد را بشناسید ...!

وقتی حداد وارد دبیرستان میشود بوی ادکلن تمام فضا را پر می کند وهمیشه اطاق او یا بوی‌ادکلن میدهد یابوی توتون پیپ ...!

هیچوقت در اطاق تنها نیست زیرا همیشه دانش‌آموزان واولیای‌آن ها وگاهی دوستان دو رو نزدیکش وقت اوراگرفته ومردی‌که همیشه خدمت بخلق را پیشه خود ساخته‌است مورداحترام ومراجعه قرارمیدهند .

محسن حداد با اینکه اصلا شیرازی است و اجدادش جزو محترمین و بازرگانان شیراز بوده‌اند تصادفا در تحت تاثیراوضاع غیرمترقبه ای در مازندران «شهربابل» متولدشده‌است،

هیچکس تصور نمیکرد این کودك « سیاه » یابقول خودمانیها « سبزه تند که هرچه بگوئید میارزد » پس از گذشتن سی سال یکی ازخدمتگزران‌صادق ووفادار فرهنك کشور بشود .

محسن حداد شاگردتنبلی نبود بهمین جهت بسرعت تحصیلات ابتدائی و متوسطه خودرا درمدارس ثروت « قریب » ودارالفنون ودارالمعلمین عالی « دانشسرایعالی» بپایان رسانید و دررشته تاریخ وجغرافیا با معدل ۱۸٫۵ لیسانسیه شناخته شد.

از ۱۳۱۰ با شروع بدبیری خدمت فرهنگی خود راآغاز نموده وتمام مراحل خدمتی را دررشته آموزش وپرورش ازنظامت مدرسه تاریاست فرهنك بهترین استانهای کشور «فارس» طی نموده وامروز اداره دارالفنون‌را که بیش از هزاردانش‌آموز دارد باکمال‌شهامت‌وصداقت بعهده گرفته‌است.

درکابینه دوم‌جناب آقای‌قوام‌السلطنه که واقعه خرنین۱۷ آذر بوقوع‌پیوست آقای‌حدادازطرف جناب‌آقای‌دکترسیاسی که آنروزسمت‌وزارت فرهنك راداشتند بریاست دارالفنون انتخاب و بجز یك سال‌تا امروزمصدر ریاست‌مدرسه میباشند

حدادداداره مدرسه خیلی صمیمی است و آزادی حقیقی را برای تمام دانش آموزان‌که آنانرا فرزندان خویش می شمارد خواهان بوده بین او ودبیرانش همکاری صمیمانه‌ای برقراراست.

حداد معتقد است که بایدجوانانرا آزاد گذاشت وارزش آزادی حقیقی رابدانهاآموخت.

حداد ازدانش‌آموزان‌ترسو وه‌رغگو متنفر و پیوسته برای تحریك حس شهامت ووطن پرستی وراستگوئی‌دانش‌آموزان کوشش می کند.

اوطرفدار پرورش‌استعداد دانش آموزان‌است ومیخواهد آنان‌جسور و باشهامت‌ومتکی بنفس‌وبااراده‌وخادم‌کشور باشند.

او مکلمات فاضله را پیوسته درجوانان تقویت کرده‌آنانرا بشاهراه سعادت و نیکبختی‌هدایت‌می کند.

بامعلمین خوددوستانه نهایت همکاری و معاضدت رادرتربیت‌جوانان و تحکیم‌مبانی اخلاقی‌وعلمی مجری‌ومعمول میدارد.

حداد معتقد است که هیچ جوانی بی استعداد نیست منتها باید تشخیص داد که چه نوع استعدادی در جوان نهفته‌است و باید آن استعداد را تشخیص داده در رشد و بروز آن کوشش کرد بنابراین روی همین نظروحسن‌شناسائی استعداد جوانان است که دارالفنون امروز مرکز دانش آموزانی است کـه در رشته‌های موسیقی ـ ورزش ـ نمـایش نطق و سخنرانی ـ نویسندگی ـ علاقه بآزمایشگاه سرآمد کلیه دبیرستانهای طهران است

حداد در کار خود خیلی منظم و جدی است و در عین حال متواضع و فروتن میباشد همه چیز دارد بجز«ادعا»...! اوخدمت‌فرهنگی‌رابزرگترین مشاغل سیاسی و دولتی ترجیح میدهد و چون اهل زدوبند های نامردانه نیست بهمین جهت گوشه دارالفنون‌را بمیزهای مقامات اداری برتری میدهد .

در اثر پشت‌کارو فعالیت و علاقمندی‌بتعمیم‌فرهنك موفق بتشکیل کلاسهای شبانه گردید و این امر بزرگترین خدمت فرهنگی او است .

حداد نویسنده خوبی است و هفته چند مقاله در جراید مرکز منتشر می‌سازد وامتیاز **روزنامه دعوت** را داردامامتوجه‌باشید که حداد«هوچی» نیست....

سابقاً شعر می‌گفت اما امروز شاعر دیروز ما نویسندگی را بـر شعر ترجیح میدهد خدا میداند شاید حداد آنروزها که شعر میگفت عاشق‌بود .

حداد مرد آزادیخواه و مبـارز و میهن‌پرستی است که آزادی را تـا سرحد پرستش و بقای ایران‌عزیز دوست‌دارد و درسال ۱۳۲۵ بواسطه داشتن افکار ملی و میهنی درکابینه ائتلافی قوام‌السلطنه مدتی در زندان سیاسی‌شهربانی بازداشت بود معهذا او معتقد است که **قوام السلطنه یکی از بـزرگترین رجال سیاسی‌عصر حاضر است .**

حالا چرا این فکررا میکند خدا میداند ...!

مونس همیشگی حداد (پیپ) او است ضمنا بدانید که حداد لحظه‌ای از مطالعه کتاب غافل نیست .

با اینکه فرهنگی است امـا شیك‌پـوش و نظیف و منظم است و مثل اینکه بکراوات‌و جوراب‌زیاد علاقه دارد.

حداد را همه دوست میدارند واقعاً مرد قرص و شجاع و صریح‌اللهجه و نافع بحال دوستانش میباشد .....

سازمان اداری و آموزشی دبیرستان دارالفنون
در سال تحصیلی ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷

آقای محسن حداد	رئیس
« حسن رفعتی افشار	نایب رئیس
« عبدالله کامرانی	« «

آقای حسن رفعتی افشار

دبیران

۱ — آقای احمد — احمد وزیری	طبیعی
۲ — « مهندس رضا امین	فیزیك وشیمی

۳ – آقای عباس ارژنگی	نقاشی
٤ – » عبدالحسین بهنام مختاری	ریاضیات
٥ – » عبدالحمید بدیع الزمان	عربی
٦ – » مصطفی بهرانی	ریاضیات
۷ – » تقی بابك سمیعی	زبان خارجه «انگلیسی»
۸ – » محمد جواد تربتی	ادبیات فارسی
۹ – » عباس پرویز	تاریخ و جغرافیا
۱۰ – » علی پایور	زبان خارجه «فرانسه»
۱۱ – » هرمز پارینه	ورزش
۱۲ – » عباس جعفری	فیزیك وشیمی
۱۳ – » محمد حسن جعفری	ادبیات فارسی
۱٤ – » شمس‌الدین حکمت	طبیعی
۱٥ – شمس‌الدین خوش نویسان	ریاضیات
۱٦ – » ناصر خسروپور	ادبیات فارسی
۱۷ – » حسین رزاقی	ریاضیات
۱۸ – » احمد سام	فیزیك و شیمی
۱۹ – » جواد سجادیه	زبان خارجه « انگلیسی »
۲۰ – » محمدعلی سینا	ریاضیات
۲۱ – » فخرالدین سیف	تاریخ وجغرافیا
۲۲ – » علی محمد سجادی	زبان‌خارجه « انگلیسی»
۲۳ – » نجم‌الدین طاهری	ریاضیات
۲٤ – » محمود فاطمی	عربی
۲٥ – » سعید فاطمی	ادبیات فارسی
۲٦ – » جواد فرهمندی	زبان خارجه « انگلیسی »
۲۷ – » پرویز فرامرزی	» « فرانسه»
۲۸ – » رضا عبدالمجیدی	ریاضیات
۲۹ – » علی‌اکبر عظیما	زبان خارجه«فرانسه»
۳۰ – » مرتضی مسعودنیا	ورزش
۳۱ – » حسین مسرور « بختیار »	ادبیات فارسی
۳۲ – » محمد حسن کوچصفهانی	فیزیك و شیمی
۳۳ – » اسدالله مصطفوی	زبان خارجه« فرانسه»
۳٤ – » حسن میرسیدی	زبان‌خارجه «انگلیسی»
۳٥ – » یدالله‌میرحسینی	زبان خارجه«انگلیسی»
۳٦ – » علی‌اصغر محمدیان	تاریخ وجغرافیا
۳۷ – » حسن مظاهری	ادبیات فارسی
۳۸ – » ابوالفضل موسوی کجوری	خط

۳۹ – آقای کمال‌الدین نوربخش	عربی
٤٠ – » علی‌اصغر نوروزیان	فیزیك و شیمی
٤١ – » مصطفی نجمی	نقاشی
٤٢ – » عبدالرحیم نبهی	روانشناسی و فلسفه
٤٣ – » احمد هنجنی	تاریخ و جغرافیا

آزمایشگاه :

آقای ابوالفضل رسولی	متصدی عملیات آزمایشگاه
» محمد مهدی فکری	آزمایشگاه

امور اداری :

آقای ابوالحسن عادلی	مدیر دفتر
» علی‌اکبر طاهری	» دروس
» غلامحسین خواجوی	حسابدار
» عبدالحسین دقیق	دفتردار
» عبدالله جهانشاهی	»
غلامرضا امیر مختاری	کارمند
» پرویز امامی	

کتابخانه :

آقای حسام‌الدین جزایری	کتابدار

آقای عبدالله کامرانی

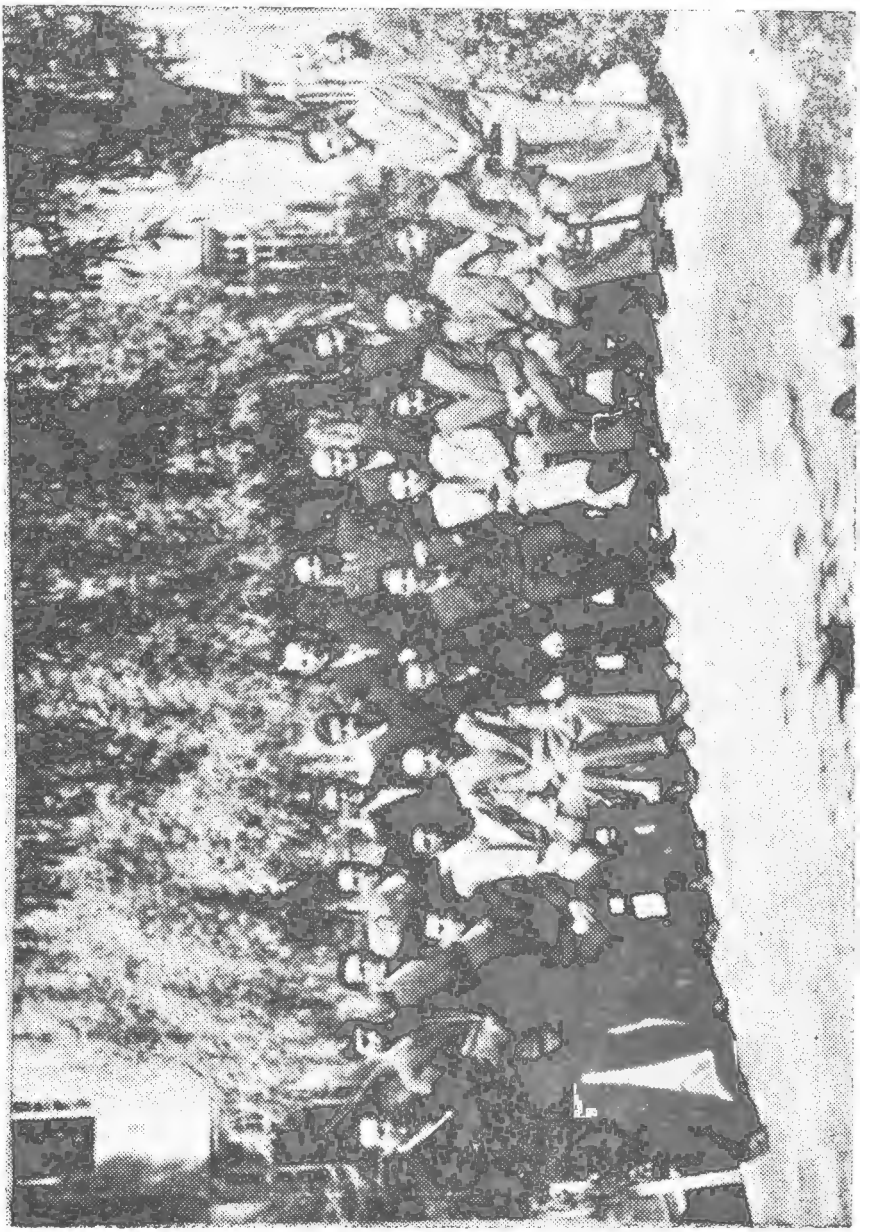

ردیف اول «نشسته» آقایان: شمس‌الدین خوشنویسان ـ تقی بابك سمیعی
شمس‌الدین حکمت ـ احمده‌نجفی ـ حسن رفعتی‌افشار «نایب رئیس» ـ کمال‌الدین
نوربخش ـ عبدالحسین بهنام مختاری ـ هرمز پارینه ـ مرتضی مسعودنیا
ردیف دوم «ایستاده» آقایان: علی‌اکبر طاهری ـ محمدمهدی‌مکری
محمود ناظمی ـ عبدالله کامرانی «نایب رئیس» ـ مصطفی بهرامی ـ حسن میر

آقای حسین مسرور« سخنیار »

ردیف بالا از راست بچپ آقایان : تقی بابک سمیعی ـ فخرالدین سیف ـ شمس الدین خوش نویسان ـ عباس ارژنگی ـ سعید فاطمی ـ عباس جعفری

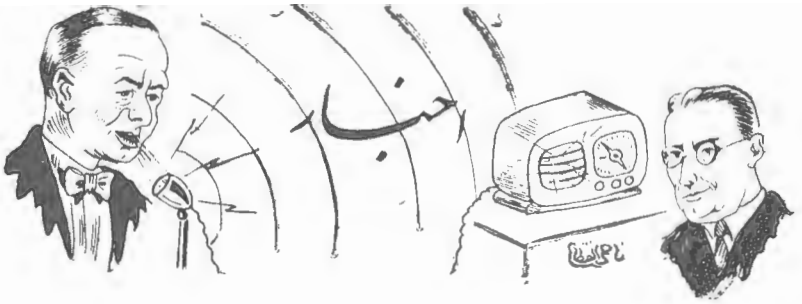

روز ۲۱ شهریور نام نویسی دانش آموزان شروع و تا روز اول مهر ادامه داشت .

* * *

روز اول مهر کلاسها رسما مفتوح و شروع بکار نمودند.

* * *

روز ششم آبان اولین جلسه انجمن همکاری خانه و مدرسه باحضور آقای حداد رئیس محترم دبیرستان واولیاء دانش آموزان تشکیل و عده ازاولیاء دانش آموزان برای هیئت مدیره انجمن انتخاب شدند - وماعین اساسنامه انجمن همکاری خانه ومدرسه راکه درششصد وبیست وچهارمین جلسه شورای عالی فرهنگ به تصویب رسیده است برای اطلاع خوانندگان عزیز نقل میکنیم.

اساسنامه انجمن همکاری خانه ومدرسه

ماده اول—درمدارسی که وزارت فرهنگ صلاح بداند انجمنی بنام انجمن همکاری خانه ومدرسه بمنظور پیشرفت تربیت اخلاق و آموزش و پرورش و بهداشت

آقای غلام حسین خواجوی آقای علی اکبر طاهری آقای ابوالحسن عادلی

ورشد کودکان تشکیل میابد.

ماده دوم—عده اعضاءانجمن همکاری خانه‌ومدرسه در دبستان ازچهارتا شش و در دبیرستان از شش‌تا دوازده‌نفر خواهدبودغیر از رئیس آموزشگاه‌و اعضائی که‌در ماده پنجم ذکرشده است.

ماده‌سوم—رئیس‌هر آموزشگاه عضورسمی انجمن‌همکاری خانه و مدرسه خواهد بود.

ماده چهارم—رئیس‌هر آموزشگاه‌عده از اولیاءدانش‌آموزان‌را که بیش از ۱۵۰ نفر نباشند ودرعلم‌وفضل‌ودیانت وحسن شهرت معروف باشند دعوت می نماید که از بین‌خود ٤ تا ۱۲ نفررا برای عضویت انجمن انتخاب‌نمایند.

تبصره۱—قبل ازدعوت‌اولیاء دانش‌آموزان برای انتخاب انجمن همکاری خانه‌ومدرسه رئیس آموزشگاه موظف است مقصوداز تشکیل انجمن و فوائد آنرا بوسیله ایرادخطابه باطلاع‌کلیه اولیاء دانش‌آموزان برساند.

تبصره۲—لااقل یکنفر از انتخاب‌شوندگان باید از اطبا باشد

ماده پنجم—انجمن همکاری‌خانه و مدرسه بلا فاصله پس از رسمیت یافتن یك تا دو نفراز معتمدین محل‌را برای عضویت رسمی انجمن دعوت‌خواهدنمود

ماده‌ششم—انجمن‌همکاری‌خانه‌ومدرسه در نیمه‌اول آبانماه‌هرسال‌و برای‌مدت سه‌سال انتخاب میشود.

ماده‌هفتم—پس ازخاتمه سال‌اول‌یك ثلث از اعضاء بحکم قرعه از انجمن خارج و برطبق‌ماده چهارم اعضاء جدید بجای‌آنان انتخاب میشودو پس‌از خاتمه سال‌دوم ثلث دیگر از کسانی‌که در ابتدا انتخاب‌شده‌اند بحکم‌قرعه خارج و بهمان‌ترتیب بجای‌آنان اعضاء جدید انتخاب‌میشودو از آن ببعدهمه‌ساله بجای‌اعضائی که مدت‌قانونی‌آنها خاتمه یافته‌است‌اعضاءجدیدانتخاب‌میشود.

ماده هشتم — هرگاه یکی از اعضاء انجمن‌همکاری خانه و مدرسه فوت یا مسافرت یا استعفا نماید و یا چهار جلسه متوالی حاضر نشود انجمن میتواند یکنفر از اولیاء دانش آموزان را برای بقیه مدت بجای‌عضو مزبورانتخاب نماید.

ماده نهم — اعضاءسابق انجمن‌همکاری خانه ومدرسه ممکن است‌مجدداً بعضویت انتخاب شوند.

ماده دهم — انجمن همکاری خانه‌ومدرسه یك رئیس‌ویك نایب رئیس‌و یك منشی ویك‌خزانه‌دار از بین‌خود برای مدت‌یکسال برأی مخفی و با کثریت انتخاب خواهند نمود.

ماده یازدهم — انجمن همکاری خانه و مدرسه لااقل ماهی یك مرتبه تشکیل میشود.

ماده دوازدهم — عضویت انجمن همکاری‌خانه‌و مدرسه افتخاری‌است.

ماده‌سیزدهم ــ وظائف انجمن همکاری خانه ومدرسه در موارد ذیل خواهد بود .

۱ ــ مشاوره در باب امور جای‌آموزشگاه وسعی در رفع نقایص آنها (رسیدگی بعلل تأخیر ورود وغیبت دانش‌آموزان ورفع آن‌علل ــ اطلاع‌از کیفیت تغذیه ووسائل تحصیلی‌دانش‌آموزان و...)

جناب‌آقای دکتر عیسی صدیق
وزیر سابق فرهنگ
از دانشمندان بنام کشور
می باشند و هرگز خدمات
فرهنگی ایشان فراموش
نخواهدشد

۲ ــ رسیدگی به تقاضاها و پیشنهادات اولیاء دانش‌آموزان .

۳ ــ کوشش در تهیه کتاب و نوشت‌افزار ولباس و نهار مجانی برای دانش آموزان بی بضاعت .

٤ ــ کمک بتوسعه کتابخانه وموزه وآزمایشگاه ووسائل‌ورزش.

٥ ــ قبول و نظارت درصرف هدایائی که بمدرسه‌داده میشود.

٦ ــ تشکیل جلسات سخنرانی‌ومجالس جشن مدرسه توسط رئیس انجمن بمنظور علاقه‌مند کردن مردم بمدرسه وروشن کردن ذهن آنها .

۷ ــ تغیرخدمتگزاران جزء.

۸ ــ مواقبت درامر بهداشت دانش آموزان‌وآب مشروب‌آموزشگاه و بهداشت خیابانها‌و کوچه‌های مجاور آموزشگاه .

۹ ــ تهیه وسائل کارهای دستی وحرفه‌ای وتشویق دانش‌آموزان‌باین قبیل امور .

۱۰ ــ سعی در ایجاد عادات و اخلاق پسندیده اجتماعی وملی‌ودانش آموزان بوسیله همکاری مدرسه بااولیاء دانش آموزان و سایر وسائلی که مقتضی بداند .

ماده چهاردهم ــ گرفتن هرگونه اعانه ازدانش‌آموزان منوط‌بموافقت مدیر آموزشگاه وتصویب ادارات‌فرهنگ محل میباشد .

اساسنامه انجمن همکاری خانه‌ومدرسه که‌در ششصد و بیست‌و چهارمین جلسه شواری عالی‌فرهنك مورخ‌شنبه ۹ر۸ر۱۳۲۶ بتصویب رسیده صحیح است بموقع اجرا گذارده شود .

وزیر فرهنك‌دکتر عیسی صدیق

آقای کریم فاطمی رئیس فرهنك اهواز و آقای محسن حداد وجمعی ازدانش‌آموزان دبیرستان دارالفنون دراهواز

درشب ۲۰ اسفند مناظره ای درباب قطعیت و علوم ریاضی و طبیعی بین دانش آموزان شعبه ادبی دبیرستان علمیه و دارالفنون با حضور جناب آقای دکتر مهران معاون‌محترم وزارت فرهنگ و عده کثیری از فرهنگیان صورت گرفت .

* * *

درروز۲۸ اسفند عده ازورزشکاران دارالفنون بنابر دعوت آقای کریم فاطمی رئیس محترم فرهنك‌اهواز برای انجام مسابقات‌ورزشی بسرپرستی‌آقای حداد رئیس محترم‌دبیرستان بسمت‌خوزستان حرکت نمودند .

اینك شرح مسافرت مزبور :

امسال هم بهمت آقای حداد وعلاقمندی جوانان ورزشکار دارالفنون مانند سالهای پیش درایام عید یك کاروان ورزشی بسرپرستی آقای محسن حداد رئیس محترم دبیرستان و آقای رفعتی افشار نایب رئیس و آقای اکرامی معاون فرهنك تهران و آقای مرتضی مسعود نیا دبیر ورزش و آقای مکری مدیر آزمایشگاه بسمت جنوب حرکت کرد و بنا بدعوتی که قبلا از ورزشکاران توسط آقای کریم فاطمی رئیس محترم فرهنك خوزستان شده بود مدت یك هفته از ورزشکاران دردانش سرای اهواز پذیرائی بعمل آمد و کاروان پس از انجام مسابقه های فوتبال والیبال برای دیدن چاههای نفت مسجد سلیمان بوسیله اتومبیلی که از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس تهیه شده بود عزیمت کرده و پس از یك روز توقف و انجام مسابقه فوتبال دوستانه باهواز مراجعت نمود

آقای محسن حداد وعده ای از دانش آموزان دارالفنون
در نزدیك یکی از چاه های نفت مسجد سلیمان

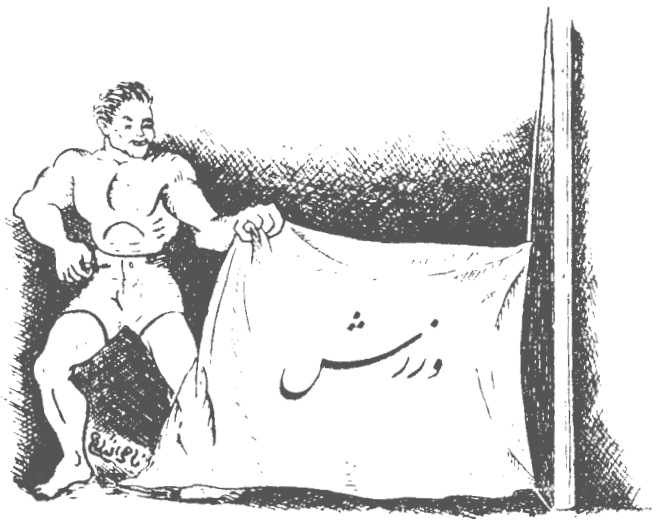

امورورزشی دبیرستان دارالفنون در زیر نظر مستقیم رئیس محترم دبیرستان، بتوسط دبیران ورزش، و بکمك سازمان ورزشی دارالفنون اداره میشود سازمان ورزشی دارالفنون در آذرماه سال گذشته تشکیل و آقایان زیر بسمت هیئت سرپرستی انتخاب شدند:

آقای جمشید فوزی سرپرست تیم والیبال بزرگسال «دسته اول ودوم»
» علی اصغر احساس » بسکتبال » «دسته اول»
علیرضا اوشار » والیبال خردسال «دسته اول ودوم»

ورزشکاران روز پنجم فروردین برای دیدن پالایشگاههای نفت بآبادان رفتند و پس از دیدن قسمتی از کارخانه و انجام مسابقه های والیبال و بسکتبال و پینگ پونك و شرکت درجشن سالیانه دبیرستان رازی باهواز مراجعت نمودند و شب آخر نطق های جالبی مبنی بر ایجاد صمیمیت بین ورزشکاران و تماس آنها با یکدیگر و وظیفه و خدمتگزاری آنها نسبت بمیهن از طرف آقای حداد و آقای اکرامی معاون فرهنك تهران و آقای رفعتی افشار و آقای فیاض بایب رئیس دانش سرای اهواز و آقایان مهندس سیادت و آزادی ایراد گردید و بعد از طرف ورزشکاران دبیرستان دارالفنون آقای حسین زینت بخش از آقای فاطمی رئیس محترم فرهنك خوزستان و سایر کارکنان فرهنگی اهواز قدردانی کردند روز هشتم در ایستگاه راه آهن اهواز نیز دسته گلی از طرف ورزشکاران تقدیم آقای فاطمی رئیس محترم فرهنك خوزستان گردید.

کاروان ساعت ۷٫۵ صبح روز دوشنبه نهم فروردین باموفقیت کامل و یکدنیا شادمانی بسمت تهران باز گشتند.

آقای منوچهر رضائی سرپرست تیم بسکتبال خردسال «دسته اول‌ودوم»
» ملکی » » فوتبال » وبزرگ سال
» حاجیان » پینگ پونگ
» بهرام اجودانی » ورزشهای میوانی
» کاظم خطیر » مسابقات داخلی دبیرستان
» زینت بخش » بکس
» جمشید قدیمی مسئول سازمان ورزش دبیرستان

آقای هرمز پارینه دبیر ورزش دارالفنون در زمره مربیان آزموده و با کفایت تربیت بدنی محسوب میشوند

پارینه علاوه بر دبیری ورزش دارالفنون کشتی دانشکده افسری رانیز عهده داراست و همیشه در مسابقات ورزشی کشور بعنوان متخصص و داور دعوت میشود.

ما امیدواریم که اداره تربیت بدنی پیش از پیش از وجود این مرد خدمتگزار استفاده نموده موجبات تشویق او رافراهم آورد.

والیبال :

همه اعتراف دارند که دبیرستان ما بهترین بازیکنان والیبال کشور را تربیت کرده است و بهترین شاهد این مدعی پیروزی تیمهای مختلف دبیرستان است که اغلب قهرمان والیبال دبیرستانهای پایتخت شناخته شده‌اند.

اینک اسامی بازیکنان :

الف ــ دسته اول خردسال که برای دومین مرتبه درسال گذشته قهرمان شناخته شده است .

آقایان : بهرام اجودانی ــ علیرضا اوشار ــ خسرو خطیر ــ رومینا ــ کنعانی ــ منوچهر رضائی ــ ضرابیان .

ب ــ دسته اول کلانسال که برای دومین سال قهرمان آموزشگاههای پایتخت شناخته شده است .

آقایان : جمشید فوزی ــ نادر فوزی ــ اصغر احساسی ــ عسگرانی ــ واحدی ــ حاجیان ــ شاکری ــ کاظم خطیر .

ج ــ دسته دوم کلانسال که برای اولین مرتبه قهرمان شناخته شده‌است

« تیم والیبال خرد سال » از چپ براست

آقایان: «زیستاده» «کامرانی- رفیعی افشار -حداد» - رضائی- آجودانی-خطیر-«اوشار -پارینه-مسعود نیا»
« نشسته » ضرابیان - رومینا -سالاری- کنعانی

آقایان . فریدون هزارخانی . حمید قدیمی - سهیل علائی - علی لشکری
بهارصفت - فرهنك مراد - ملك محمدی - سمیعی

آقای مرتضی مسعودنیا
دبیر ورزش دارالفنون در
ردیف بهترین معلمین ورزش
کشور بشمار میروند .

بسکتبال

بازیکنان بسکتبال دبیرستان ما نیز در بین شهرستانهای پایتخت رتبه اول را حائز گردیده وموفق بدریافت جام پیروزی گردیدند

اینك اسامی بازیکنان .

الف ــ دسته اول خردسال که درقهرمان پایتخت شناخته شده‌است

آقایان : بهرام آجودانی ــ منوچهر رضائی - روده‌چی - اوشار - خسرو مشیری - شهبازی - شفیعی

ب - دسته اول کلانسال که در بین دبیرستان رتبه اول راحائز شده است .

آقایان . علی اصغر احساس - نادر فوزی - کاظم خطیر - هوشمند - فرهنك مراد ــ ملکی اشتری ــ علائی

فوتبال

در مسابقات فوتبال بعلت نداشتن زمین تمرین دبیرستان ما نتوانست موفقیت شایانی بدست آورد معهذا رتبه سوم را حائز گردید

تیم باسکتبال خردسال ــ از چپ براست

آقایان: اوشار - ثانی آجودانی - شهبازی - روده‌چی - رضائی

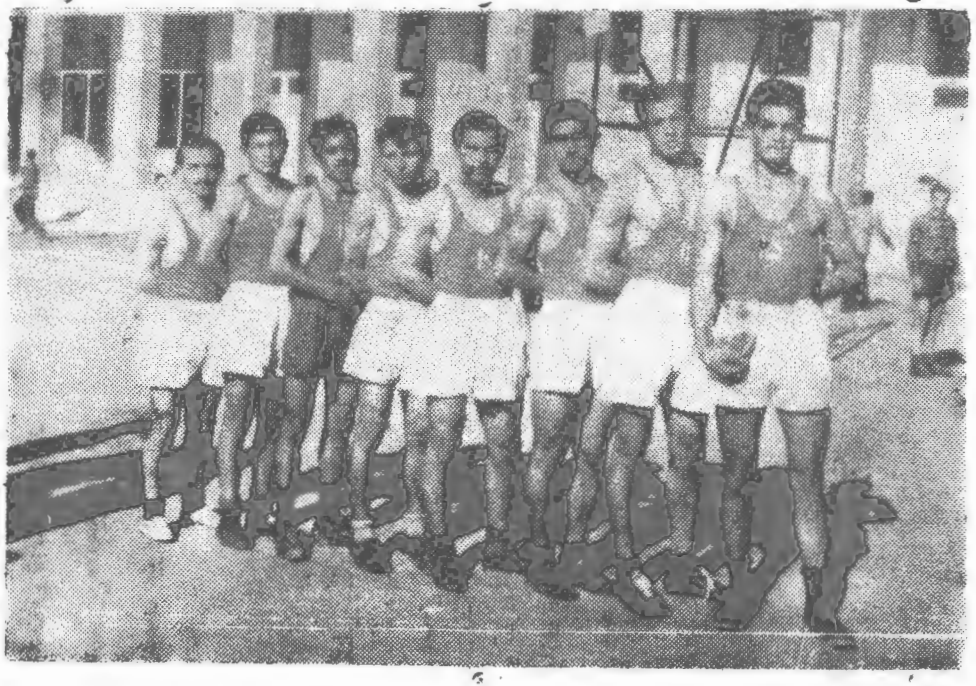

تیم والیبال کلانسال

ازچپ براست : آقایان شاکری ـ نادری ـ فوزی ـ عسگرانی ـ حاجیان ـ جشید فوزی ـ احساسی واحدی ـ کاظم خطیر

پینگ پونگ :

بازیکنان پینگ پونگ دبیرستان دارالفنون از ابتدای سال تحصیلی ۲۶ ۲۷ بازی و تمرین مشغول شده‌اند و در مسابقات دبیرستانها آقای معظم خطیر از دبیرستان ما قهرمان دوم شناخته شده است

باید اعتراف کرد که پیروزی تیمهای مختلف دبیرستان ما بیشتر مرهون زحمات شبانه‌روزی آقای مسعود نیاست که نه تنها در ردیف بهترین معلمین ورزش بشمار میروند بلکه خود نیز از ورزشکاران و فوتبالیستهای معروف هستند .

مسابقات داخلی :

مسابقه های کلاسی امسال دارالفنون باطور و ضعف بسیاری ادامه داشته و برای برندگان آن از طرف دبیرستان و انجمن ورزشی مدالهایی تهیه شده است .

« تیم باسکتبال کلانسال »

از چپ براست آقایان : اشتری ــ فوزی ــ مراد ــ هوشمند افشار ملکی ــ خطیر ــ احساسی

تاتر و نمایش

یك صحنه از درام یتیم

کانون نمایش دبیرستان دارالفنون بعقیده مطلعین فن تأتر و کسانیکه نمایشات ما را دیده‌اند یکی از بهترین کانونهای نمایشی دبیرستانها بشمار میرود.

ولی باید این نکته را یادآور شد که مقصود از تاتر و نمایش در دبیرستان فقط تذکیه اخلاق دانش آموزان و متوجه کردن آنها بخطا های روزمره زندگی است بنا بر این نباید خوانندگان عزیز کارکنان این کانون را هنرپیشه خطاب کرده و در ردیف بازی کنان تاتر و نمایش عمومی قرار دهند.

این کانون در ابتدا با عدم وسائل فنی روبرو گردید و روی همین اصل امید نمی رفت که این کانون پیشرفتی حاصل نماید ولی در نتیجه مساعی و جدیت کارکنان آن چندین نمایشنامه از بهترین پیسهای خارجی و ایرانی به بهترین وجهی نمایش داده شد که مورد تحسین کلیه فرهنگیان و بخصوص اولیاء محترم دبیرستان واقع گردید.

بازی کنان دبیرستان ما با وجود عدم وسائل از قبیل دکوراسیون خوب و صحیح و رژیسور کارآزموده یکبار دیگر ثابت کردند که با استعداد های نهائی و خفته خود آینده درخشانی در تاتر ایران ایجاد خواهند کرد

نمایشنامه هائی که در سال گذشته توسط کارکنان کانون نمایش دبیرستان

آقای رمضانی

بمعرض نمایش گذاشته شد عبارتند از :

۱ـ «آخرین صحنه زندگانی امیر کبیر» اثر جوان باذوق آقای مجید دوامی

۲ ـ «عشاق سونیا» اقتباس از مولیر تاتر نویس مشهور فرانسوی

۳ ـ «درام یتیم» اثر آقای فریدون مشیری که دو نمایش اخیر در شبهای ۲۳ و ۲۴ اسفند بنفع ورزشکاران دبیرستان با موفقیت بی نظیری اجرا گردید

هنگامیکه آقای رمضانی در نقش پیرمرد فقیری در درام یتیم ظاهر گردید و آخرین ناله دل دردمند خود را برای فرزند ژنده پوشش باز میگفت بیشتر تماشاچیان آرام آرام میگریستند . سکوت موحشی سالن دارالفنون «ادیب» رافرا گرفته و تماشاچیان در اثر مشاهده بدبختی های طبقات ستم کش و فقیر در تاثرات دور و درازی فرو رفته بودند

آقایان رمضانی و ساعی ایفا کنندگان نقش پدر و پسر در نهایت مهارت و زبردستی ، منظره فقر و بدبختی و ناکامی یك خانواده بدبخت را در مقابل مردمك خیره و بی حرکت تماشاچیان نشان داده و آنها را مجذوب صحنه غم انگیز درام یتیم نموده بودند :

آقای میراب

نمایشنامه کمدی «عشاق سونیا» نیز بلافاصله بعد از درام یتیم به بهترین وضعی بمعرض نمایش گذاشته شد . نمایش مزبور ولوله عجیبی در تماشاچیان افکند بطوریکه دقیقه ای بعد خاطرات درد آور و حزن انگیز درام یتیم را از خاطر آنها زدود و اثری از آن بجای نگذاشت آقایان رمضانی و ساعی در این نمایش نیز نقش اول را عهده دار بودند و همین امر موجب تعجب تماشاچیان گردید .

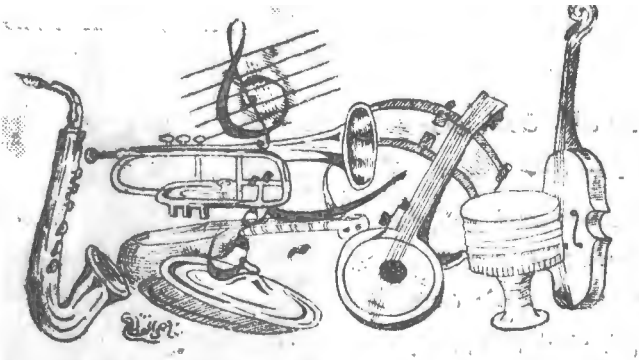

آنجا که سخن باز میماند موسیقی آغاز میشود

آقای ایرج گلسرخی

انجمن موسیقی دبیرستان دارالفنون از اوایل سال تحصیلی بهمت آقای محسن حداد رئیس محترم دبیرستان تشکیل و تاکنون موفق بانجام برنامه های متعدد و جالب توجهی در رادیو تهران گردیده است.

انجمن مزبور علاوه بر این از اولین جلسه تشکیل خود با کانون نمایش دبیرستان همکاری نموده، متفقا رونق خاصی بجشنهای دبیرستان بخشوده اند دبیرستان ما نه تنها از لحاظ موسیقی ایرانی سرآمد سایر دبیرستانهاست، بلکه با داشتن جوانان هنرمند و باذوقی مانند آقای ایرج گلسرخی از لحاظ موسیقی اروپائی نیز بر سایر دبیرستانها برتری دارد

این نمایش نیز در مقابل کف زدنهای ممتد و طولانی پایان یافت و بنام بهترین نمایش دارالفنون در خاطر تماشاچیان ثبت گردید.

علاوه بر دو نمایش فوق در شب ۲۳ و ۲۴ اسفند در فواصل بین دو نمایش مزبور اشعار فکاهی جالب توجهی نیز توسط آقای میراب خوانده شد که بی نهایت مورد توجه و تحسین تماشاچیان قرار گرفت.

آقای شیروانی دانش آموز سابق دبیرستان دارالفنون و دانشجوی فعلی دانشسرای عالی گریم این برنامه را بعهده داشتند و ما بدینوسیله از ایشان و آقایان رمضانی و ساعی و سایر کارکنان این کانون قدردانی نموده موفقیت آنها را بیش از پیش خواهانیم.

سرپرستی انجمن موسیقی دبیرستان دارالفنون جمعه جوان هنرمند آقای جهانگیر میناقیان است که در ردیف بهترین نوازگان رادیو بشمار میرود کارمندان این انجمن بیشتر خردسال بوده و عبارتند از:

آقای جهانگیر میناقیان

آقای پرویز میناقیان

آقای	جهانگیر	میناقیان	نوازنده ستور
«	پرویز	«	« ویلن
«	سعید	حکیم	« «
«	جمال‌الدین	زمانیان	« «
«	فرهنگ	شریف	« تار

علاوه بر این آقای خریدون مراد دانش‌آموز سال ششم ادبی نیز اغلب با این گروه همکاری کرده در جشنهای دبیرستان شرکت میجوید.

آقای فرهنگ شریف

آقای خریدون مراد

آقای سعید حکیم

بمنظور پیشرفت هنرهای زیبا از ابتدای سال تحصیلی ۲۶-۲۷ انجمن بنام «کانون هنر» در دبیرستان دارالفنون تشکیل و شروع بکار نمود

این کانون با همکاری دانش آموزان هنرمند و هنر دوست در مدت کوتاهی پیشرفت شایانی نموده و میتوان ادعا کرد موفق بتعلیم و تربیت بهترین نقاشان و خط نویسان آتیه کشور شده است

منوچهر بوذری

ناصر انقطاع

آقای ناصر انقطاع از بهترین نقاشان این کانون میباشند که علاوه بر نقاشی سیاه قلم و آبرنگ در کاریکاتور سازی نیز مهارت داشته و آثار کاریکاتورهای

منظور ما از انتشار این مجموعه چیست ؟

در مطالعه روش فرهنگ کشور های مترقی نخستین موضوعی که نظر بیننده را جلب میکند رفتار اولیاء آموزشگاه با دانش آموزان است که با کمال یگانگی و صمیمیت در راه اداره آموزشگاه با یکدیگر هم آهنگی دارند . این حسن همکاری و معاضدت پدانجا کشیده که در اغلب آموزشگاها نظامت و رسیدگی باموردانش آموزان بر عهده دانشجویان وا گذارشده و در اثر این روش بستانیه آموزشگاه مبدل بمحیط روح انگیز خانواده ای گردیده است.

ولی متاسفانه دستگاه ترتیبی ما این اصول مقدس را از یاد برده و بین معلم و دانشجو فرسنگها فاصله پدید آورده است و ما برای اینکه این روش دور از منطق را در هم شکنیم با انتشار این مجموعه پرداختیم تا دانش آموزان را بمعلمین خویش نیکوتر آشنا سازیم و هم اکنون خدا را میستائیم که آرزو یمان جامه عمل پوشیده است.

این مجموعه را پدید آورنده آشیانه تربیتی خود یعنی روح امیر کبیر نثار میکنیم .

ضمنا از **جناب آقای محسن حدادرئیس** محترم دبیرستان که از هیچ نوع کمکی خودداری و مضایقه نفرموده اند و همچنین از سایر دوستان مهربانی که با ما همکاری کرده اند سپاسگزار و توفیق آنانرا در خدمت بکشور عزیز خواهانیم و بنام قدردانی بذکر نام آنان میپردازیم .

آقایان :

امیرانی ـ ضرغام ـ زریو ـ دشتی ـ هاشمی هایری ـ یمنی قهاری ـ طاهر زاده ـ عارف افروز .

و همچنین از مساعدتهای بی شائبه **گراورسازی گیتی و چاپخانه خواندنیها** که در راه انتشار این مجموعه صمیمانه با ما همکاری کرده اند سپاسگزاریم

شعبه ادبی دبیرستان دارالفنون

جراید ومجلات کشوررا تهیه و تنظیم میکنند و کلیشه های این سالنامه معرف ذوق این جوان هنرمند است

در این کانون خط نیز مورد توجه بوده و ((سرود دارالفنون)) بهترین نمونه پیشرفت خط در این کانون می باشد که توسط آقای منوچهر بوذری تهیه و نوشته شده است

ما بدین وسیله از زحمات کارمندان این کانون قدردانی نموده امیدواریم که روزی افراد این کانون در ردیف استادان بزرگ نقاشی و خط قرار گیرند و نیز آرزومندیم که این دو هنر زیبا که نماینده ذوق ایرانی و تشویق افراد برجسته و شاهان قدردان و مردم کشور است روز بروز بر درجه اهمیتش افزوده گردد.

—•••—

انجمن همکاران و دستیاران

آقای حداد و جمعی از دستیاران

برای آنکه دانش آموزان در امور انضباطی دبیرستان نظارت داشته باشند دسته ای بنام همکاران و دستیاران از ۲۰ تن دانش آموز تشکیل و در امور نظمی با اولیاء دبیرستان همکاری می کنند و الحق بخوبی از عهده انجام این مهم بر آمده اند. دبیرستان امیدوار است که با ادامه این رویه هم دانش آموزان در مربوط بخود نظارت داشته و هم عده ای بدین نحو برای معلمی و مدیریت ترتیب شوند

«غلطنامه»

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤	٦	هزاده	هزاوه
٦	٢٣	جبهن	خیل
٧	١	شعر از عباس هنرور	شعر از استاد سرور
٢٥	١٢	شده	نشده
٢٧	٤	شهد	نشود
٢٩	١٧	شدید الحنی	شدیداللحنی
«	٢٥	تعلیم	تعمیم
٣٠	٤	جلوه	جلوه ای
٣١	١٠	«	اداره کل
٣٢	٢٠	خرنین	خونین
٣٣	٥	مکلمات	ملکات
٣٤	٢	نایب رئیس	ناظم
٣٥	١٧	زبان خارجه «انگلیسی»	فیزیک و شیمی
«	٢٥	پرویز	برزو
٣٦	٨	محمد مهدی فکری	محمد حسین مکری
٤٤	٩	احساس	احساسی
«	١٤	آزادی	آزادی پور
٤٧	١٦	دبیرستان	دبیرستانها
«	زیر عکس	باستکیبال	بسکتبال